جام جم
ادبیات
LITERATURE
۱۱
چهارشنبه ۹ آبان ۱۴۰۳ شماره ۶۸۹۴

مقابله ۱۰۰۰ نویسنده نامدار با رژیم صهیونیستی

بیش از ۱۰۰۰ نویسنده با امضای بیانیه‌ای متعهد شدند که با موسسات فرهنگی رژیم‌صهیونیستی همکاری نکنند، زیرا این همکاری می‌تواند به اجرای سیاست‌های تبعیض‌آمیز و توجیه‌گر اشغالگری و نسل‌کشی منجر شود. نویسندگانی همچون سالی رونی، راشل کوشنر و آروندا تی روی از جمله امضاکنندگان این بیانیه هستند. رونی که سابقه دفاع از حقوق فلسطینی‌ها را دارد، در سال ۲۰۲۱ از فروش حقوق ترجمه عبری رمانش به ناشر رژیم صهیونیستی امتناع کرد و جایزه PEN Pinter خود را به صندوق امداد کودکان فلسطین اهدا کرد. در این بیانیه، به تحریم نهادهایی که حقوق فلسطینی‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند، اشاره شده است. کمپین مذکور توسط جشنواره ادبیات فلسطین سازماندهی شده که رویدادهای عمومی رایگان را در سراسر فلسطین برگزار می‌کند. نویسندگان در این بیانیه به بحران عمیق اخلاقی و سیاسی در قرن بیست‌ویکم اشاره و تأکید کردند که فرهنگ نقش اساسی در عادی‌سازی بی‌عدالتی‌ها ایفا کرده است. آنها همچنین به تجربیات مشابه نویسندگان در گذشته در برابر آپارتاید آفریقای جنوبی اشاره و بر لزوم آگاهی از وضعیت کنونی و آینده تأکید کردند. درگیری‌های اخیر در خاورمیانه و بحران انسانی در غزه و لبنان نیز بخشی از دغدغه‌های این نویسندگان است. گفتنی است هنرمندان جهان از ابتدای طوفان الاقصی تا به امروز فعالیت‌های زیادی در حمایت از مردم مظلوم فلسطین انجام داده‌اند.





آبان؛ ماه خزان شاعران مقاومت

دهه نخست آبان یادآور درگذشت سه شاعر است که آزادگی، آرمانخواهی و نوگرایی ویژگی شعری آنها بود



آرش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

مهدی اخوان ثالث در یکی از شعرهایش، پاییز را پادشاه فصل‌ها لقب می‌دهد؛ فصلی که به‌دلیل حال‌وهوای گرفته و البته منظره‌های رنگارنگش جلوه‌ای شاعرانه دارد، ولی عجیب است که در ماه میانه این فصل، شاهد خزان شاعران بوده‌ایم و عجیب این‌که سه شاعر در این ماه درگذشته‌اند که شباهت‌های زیادی هم از نظر ادبی و شعری و هم از نظر فکری و اعتقادی با هم دارند. در ۴ آبان سال ۱۳۸۷ زنده‌یاد طاهره صفارزاده، در ۸ آبان ۱۳۸۶ مرحوم قیصر امین‌پور و در ۹ آبان ۱۳۶۵ روان‌شاد سلمان هراتی، جهان فانی را ترک کردند و بر کارنامه فعالیت‌های ادبی و هنری خود مهر پایان زدند. به این ترتیب دهه نخست آبان، به نام سه شاعر که هرکدام در ادبیات معاصر ایران، دارای جایگاه و تأثیرگذاری قابل توجهی بودند، گره خورده است.

شاعر مدرن مسلمان

همیشه منتظرت هستم/ بی‌آن‌که در رکود نشستن باشم/ همیشه منتظرت هستم/ چونان که من/همیشه در راهم/همیشه در حرکت هستم/همیشه در مقابله/تو مثل ماه/ستاره/خورشید/همیشه هستی/و می‌درخشی از بدر/و می‌رسی از کعبه/و ذوالفقار را باز می‌کنی/و ظلم را می‌بندی/همیشه منتظرت هستم/ای عدل وعده داده‌شده

طاهره صفارزاده مانند این شعر خود در وصف حضرت موعود(عج) شاعری بود همواره در حرکت و در جست‌وجوی فضاهای جدید و اتفاقات نو در شعر. او شعر گفتن را به تشویق معلم خوش‌ذوق خود در کرمان یعنی محمدابراهیم باستانی پاریزی آغاز کرد. نخست در رشته زبان و ادبیات انگلیسی تحصیل کرد و بعد از چندی برای تکمیل تحصیل به انگلیس و سپس آمریکا رفت. تحصیل در خارج از کشور، باعث شد او چندان تحت تأثیر جریان‌های ادبی و شعری رایج در داخل کشور قرار نگیرد و شعرش از نظر فرم به شعر مدرن غربی شباهت بسیاری ببرد و بی‌تردید صفارزاده یکی از شاعران پیشرو و خاص در تجربه‌های فرمی در شعر معاصر ایران است. یکی از جلوه‌های این گرایش‌های فرمی را می‌توان در شعرهای کانکریت (تصویری) او دید که در آن زمان در ادبیات ایران تجربه منحصربه‌فردی بود.

پیشگام شعر برای فلسطین

اما نکته مهم درباره صفارزاده این است که او در خارج از کشور، نه‌تنها شیفته زندگی مجلل و رفاه آمریکایی نشد، بلکه برعکس به‌شدت به فضای ضدامپریالیستی روشنفکری در آن زمان در دانشگاه‌های غرب، گرایش پیدا کرد و با توجه به گرایش‌های مذهبی شدیدی که داشت، به کمونیسم و چپ‌گرایی مادی‌گرا گرایش پیدا نکرد، بلکه شعر مدرن او جایگاهی برای عرضه مضمون‌هایی به‌شدت شیعی و انقلابی شد. حضور در مراکز اصلی اعتراض به ستمگری جهانی، باعث شده بود که نسبت به رویدادهای جهان حساسیت داشته باشد و به همین دلیل او از نخستین کسانی باشد که برای فلسطین شعر بگوید. در زمانی که هنوز کمتر شاعری در ایران به مسأله فلسطین ورود کرده بود، در بسیاری از آثارش با نام‌بردن از این سرزمین مقدس و یادآوری رنج‌های مردم آن، راه‌حل این معضل مهم دنیای اسلام را در مقاومت می‌دید. او در مجموعه «طنین در دلتا» که سال ۱۳۴۹ منتشر شد، سه سال بعد از شکست اعراب در جنگ شش‌روزه «برادران ما در سینا می‌میرند» را برای اسیران شهید ارتش مصر به دست نیروهای صهیونیست سرود و از بی‌لیاقتی سران عرب به‌شدت انتقاد کرد.

دشمنان مشترک یک شاعر

شعر صفارزاده پیش از انقلاب از دو سو هدف توطئه تخریب و سکوت قرار گرفت. از یک طرف رژیم شاه بود که سعی می‌کرد او و صدایش را کتمان و سانسور کند. مضمون‌های ضداستبدادی و ضداستعماری شعر صفارزاده، حساسیت رژیم شاه را هم نسبت به او برانگیخت و باعث شد بسیاری از آثارش در ایران دچار ممنوعیت و سانسور شود. شعر «بیگانه و کودک قرن» که در اولین مجموعه او به نام «رهگذر مهتاب» به چاپ رسید و تقابل معصومیت یک کودک و اشرافی‌گری درباری آن دوران را نقد می‌کند، از طرف عموم مردم به‌عنوان کنایه‌ای تند و تلخ به دربار و خانواده‌های مرتبط با نظام شاه تأویل شد و وقتی صفارزاده از امضای برگه عضویت اجباری در حزب دولت رستاخیز، سر باز زد، وی را از دانشگاه اخراج کردند. از سوی دیگر شعر او به‌دلیل مضمون‌های مذهبی آن، همواره مورد طعن روشنفکران زمانه بود و آنان سعی می‌کردند او را با همه ظرفیت‌های جدیدی که وارد شعر امروز کرده بود، به شکلی بایکوت کنند که مردم با سروده‌های او همراه نشوند، اما تلاش این دو دشمن مشترک، اثر نکرد و شعر صفارزاده با وجود این‌که شعری فرم‌گرا و دارای زبانی غیرمعمول بود، مورد توجه مردم قرار گرفت. شاید دلیل اصلی این توجه و گرایش مردمی به شعر صفارزاده، همان نگاه و نگرش شیعی او بود که در قالب شخصیت شاعری ضدستمگری و عدالت‌طلب، نمود یافته بود.

صفارزاده، شاعری اندیشمند بود که رگه‌های قوی سیاسی در شعرهایش وجود داشت و با طنزی ظریف، کنایه‌هایی نیشدار و استعاره‌هایی خلاقانه به دنبال تاباندن نور به تاریکخانه ستمگران جهان، منافقان و سازشکاران بود. او صلح و آزادی و زندگی سرشار از آرامش را حق همه انسان‌ها جز متقلبان و دورویان می‌دانست و برای همین بود که می‌گفت: «سلام بر همه/ الاسلام فروش».

ولی دل به پاییز نسپرده بود...

شاعر دیگری که در بهار آمد و در پاییز رفت و از نظر اعتقادی و فکری شباهت زیادی به صفارزاده داشت، زنده‌یاد قیصر امین‌پور بود. امین‌پور که در زمان مرگ فقط ۴۸ سال داشت، توانست در حوزه شعر به جایگاهی قابل اعتنا دست پیدا کند و یکی از نام‌های مهم در شعر معاصر و البته شعر انقلاب باشد. قیصر، شعر را از دوران دانشجویی و از حوزه هنری آغاز کرد و بعد از انتشار دو کتاب نخست خود، از این مجموعه بیرون آمد و در سال‌های بعد بیشتر بر تحصیل و امور دانشگاهی متمرکز شد و به‌عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان، چهره‌ای همزمان شاعر و دانشگاهی بود، اما تا آخرین لحظه زندگی، هیچ‌گاه به آرمان‌هایش پشت نکرد. قیصر از نخستین شاعرانی بود که در مکتب فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی تربیت شد و توانست به یکی از شاعران مطرح در سطح اول ادبیات کشور تبدیل شود. جایگاه شعری او چنان بود که حتی کسانی که شاید چندان همراهی و همدلی با آرمان‌های انقلاب هم نداشتند، درباره قدرت و توانایی شاعری او تردیدی ندارند و با شعرهایش حال خوشی دارند. او همیشه تعلق خود به جریان شعر انقلاب و طرفداری خود از آرمان‌های انقلابی و شیعی را تکرار می‌کرد و شعرهایش تا آخرین مجموعه‌ای که منتشر کرد، از مدح و منقبت ائمه خالی نیست. این غزل مشهور او را حتما شنیده‌اید:

بفرمایید فروردین شود اسفندهای ما
نه بر لب، بلکه در دل گُل کند لبخندهای ما
بفرمایید هر چیزی همان باشد که می‌خواهد
همان، یعنی نه مانند من و مانندهای ما
بفرمایید تا این بی‌چراتر کار عالم؛ عشق
رها باشد از این چون و چرا و چندهای ما

سرِ مویی اگر با عاشقان داری سرِ یاری
بیفشان زلف و مشکن حلقه پیوندهای ما...

و در بیت پایانی که می‌گوید:

بفرمایید فردا زودتر فردا شود، امروز
همین حالا بیاید وعده آینده‌های ما

شعری است که در آن انتظاری مهدوی برای موعودی که قرار است بیاید، موج می‌زند. او از جمله شاعرانی بود که اگرچه خاستگاه شعری‌اش، شعر کلاسیک بود، اما اندک‌اندک گرایش‌های مدرن‌تر را هم وارد شعرش کرد. او اگرچه به‌تمامی اسباب شعر کلاسیک را کنار نگذاشت، ولی به سرودن شعر نیمایی که از وزن و قافیه تهی نیست، روی آورد و مجموعه‌ای از بهترین شعرهای نیمایی دهه‌های اخیر را سرود و منتشر کرد. او همان نگاه و اندیشه را که در غزل‌هایش جاری و ساری بود، به ساحت شعر نیمایی نیز آورد. شعر مهدوی او در قالب غزل را خواندید، حالا بخش‌هایی از یک شعر نیمایی را بخوانید:

ای روز آفتابی!
ای مثل چشم‌های خدا آبی!
ای روز آمدن!
ای مثل روز، آمدنت روشن!
این روزها که می‌گذرد، هر روز
در انتظار آمدنت هستم
اما
با من بگو که آیا، من نیز
در روزگار آمدنت هستم؟

می‌بینید که با عوض‌شدن قالب، نگاه، حرف و تفکر شاعر عوض نشده و او همچنان همان نگاه انسانِ منتظرِ موعود را در آخرین شعرهایش هم دارد.

شگفتی کوتاه

عصر جمعه نهم آبان ۱۳۶۵ یک معلم جوان مازندرانی هنگام عزیمت به لنگرود در حالی که برای تدریس به مدارس روستا می‌رفت، بر اثر برخورد مینی‌بوس حامل او با خودروی دیگری جان خود را از دست داد. نام این معلم جوان که هنگام مرگ فقط ۲۷ سال داشت، سلمان هراتی بود. ساعد باقری در نوشته‌ای که سال‌ها قبل در روزنامه اطلاعات نوشت، داستان کشف سلمان هراتی را نگاشته است. او می‌گوید یک روز گروهی از شاعران از تهران برای شرکت در شب شعری در شمال، به یکی از شهرهای مازندران رفته‌اند. در پایان جلسه، جوانی محجوب دفتری از شعرهایش را به ساعد باقری می‌دهد و از او می‌خواهد نظرش را درباره شعرها بگوید. وقتی ساعد و سهیل محمودی مجموعه شعرهای این جوان را می‌خوانند، از قوت و استواری شعرهایش شگفت‌زده می‌شوند. وقتی دوباره با او صحبت می‌کنند، می‌فهمند این معلم جوان تنکابنی سال‌ها در خلوت خود مشق شاعری کرده است. به‌زودی او در جلسه شعر حوزه هنری در تهران حضور می‌یابد و بعد از مدتی حوزه هنری اولین مجموعه شعرش «از آسمان سبز» را منتشر می‌کند. دریغ که شاعر زنده نمی‌ماند تا انتشار دومین کتابش «دری به خانه خورشید» را ببینید.

یک غرب‌ستیز انقلابی

سلمان در مدت کوتاه عمر خود و شاعری ناتمامش، توانست شیوه‌های مختلف شعری و زبانی را با موفقیت تجربه کند. او که در غزلسرایی و رباعی‌سرایی هم تجربه‌های بسیار خوبی داشته و برخی غزل‌هایش هنوز هم تازه و خواندنی است، توانست در سپیدسرایی به یک چهره مهم در شعر انقلاب تبدیل شود. فرمی که او در شعر سپید به آن رسیده بود، شعری بود با زبانی بسیار نزدیک به زبان روزنامه‌ها، لحنی گزارشی و سرد و استفاده خلاقانه و پررنگ از طنزی نیشدار. البته این فرم قبلا در شعر شاعران دیگری به شکلی تجربه شده بود. شاید مهم‌ترین چهره‌ای که بتوان او را به‌عنوان یکی از شاعران تأثیرگذار بر زبان شعری سلمان معرفی کرد، کسی نیست جز طاهره صفارزاده. البته نباید از تجربه‌های رضا براهنی و کیومرث منشی‌زاده هم غافل ماند، ولی به هرحال، شعر سلمان هراتی به‌شدت وامدار طاهره صفارزاده است. او در شعرش از نظر مضمون هم بسیار شبیه صفارزاده بود. هراتی در آثاری که از او باقی مانده، چهره انسان مسلمان انقلابی عدالت‌خواهی را ترسیم کرده که با همه ستمکاران جهان سر ناسازگاری دارد. یکی از مضمون‌های مهم شعر او که شاید در سال‌های بعد در شعر ما دیگر تکرار نشد، دشمنی با مدرنیته و غرب‌ستیزی است:

وقتی یک جرعه آب صلواتی/ عطش را می‌خشکاند/ دیگر به من چه که کوکا، خوشمزه‌تر از پپسی است

این نگاه و این تقابل میان «آب صلواتی» و «کوکا»، مضمونی است که در ادامه همان نگاه عدالت‌ستایانه در شعر سلمان دیده می‌شود، چراکه به اعتقاد او، غرب و دستگاه تمدنی آن درصدد است که با استفاده از جذابیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای خود، دنیا را تخدیر و تحمیق کند، به همین علت است که هراتی می‌گوید:

اگرچه هوای جهان توفانی است/ سازمان هواشناسی/ همیشه گزارش معتدل به دنیا می‌دهد/ و خواب خوشی را/ برای شنوندگان/ آرزو می‌کند

برش

یک نکته از سه شاعر

آبان‌ماه زنده‌شدن داغ از دست دادن سه شاعر متعهد و انقلابی است؛ شاعرانی که هر سه، در دو ویژگی برجسته با هم مشترک بودند؛ نوگرایی و آرمانگرایی. طاهره صفارزاده عدالت‌خواهی واقعی و از عمق جان بود که قبل و بعد از انقلاب در برابر هرگونه اشرافی‌گری و عدالت‌گریزی شجاعانه می‌ایستاد. قیصر امین‌پور هم که شاعری دارای فضل معلمی و استادی بود، شخصیتی معتدل و آرام داشت، اما او هم در شعر و زندگی شخصی‌اش حتی لحظه‌ای از آرمان‌های عدالت‌طلبانه خود پا پس نکشید و حتی در دوران اوج بیماری، مطالبه‌ای شخصی و رانتی ویژه برای جان خود طلب نکرد و البته نوگرایی او در شعر به‌دلیل همان شخصیت معتدل، به اندازه صفارزاده و هراتی شدید و هنجارشکن نبود، اعتراض و شور و شوق انقلابی و آرمانخواهی دهه شصتی در شعر سلمان هراتی برجستگی زیادی دارد و البته او نیز این آرمانگرایی انقلابی را در فرمی آوانگارد و نوآورانه عرضه کرده و شاید اگر او فرصت بیشتری برای زیستن و تجربه‌کردن می‌داشت، می‌توانست در ترکیب میان نوآوری و آرمانگرایی چهره یک شاعر موفق و تراز را به ما نشان دهد.

دیدگاه



استقلال شعر انقلاب از جشنواره داستان

میلاد عرفان‌پور، مدیر مرکز آفرینش‌های ادبی، شعار جشنواره شعر انقلاب را «شعر انقلاب، شعر زندگی» معرفی کرد و بیان داشت که شعر انقلاب به تمامی موضوعات مرتبط با گفتمان انقلاب اسلامی می‌پردازد.

وی توضیح داد این جشنواره که سال گذشته به‌صورت مشترک با جشنواره داستان انقلاب برگزار شده بود، امسال به‌طور مستقل و جدا از بخش داستان برگزار خواهد شد. این تغییر به‌منظور تمرکز بیشتر بر شعر و ارتقای جایگاه آن به‌عنوان هنر اول ایران صورت گرفته است. عرفان‌پور زمان برگزاری جشنواره را اعلام کرد و گفت آغاز فراخوان از نیمه آبان‌ماه و مهلت ثبت‌نام تا پایان دی‌ماه است و مراسم اختتامیه نیز در اواسط اسفندماه برگزار خواهد شد. او تأکید کرد هر شعری که در چهارچوب گفتمان انقلاب اسلامی قابل تعریف باشد، به‌ویژه شعرهایی که در این زمینه پیشرو هستند، می‌تواند در این جشنواره شرکت کند. در پایان، وی اشاره کرد که جزئیات بیشتر درباره نحوه ثبت‌نام و شرایط شرکت به‌زودی از طریق سایت رسمی جشنواره و رسانه‌های عمومی منتشر خواهد شد.

چهره



بزرگداشت «شکوه قاسم‌نیا»

بزرگداشت شکوه قاسم‌نیا، شاعر و نویسنده ادبیات کودک و نوجوان، ۱۳ آبان‌ماه برگزار می‌شود. این مراسم روز یکشنبه، سیزدهم آبان از ساعت ۱۷ در خانه اندیشمندان علوم انسانی واقع در خیابان نجات‌الهی (ویلای سابق) نبش ورشو برگزار خواهد شد. سخنرانان این مراسم شامل مجید راستی، شهرام اقبال‌زاده، قاسمعلی فراست، محمدعلی ناصری و مرجان فولادوند هستند. قاسمعلی فراست درباره این بزرگداشت اظهار داشت که به پیشنهاد آقای دهباشی، مراسمی برای شکوه قاسم‌نیا ترتیب داده شده است. شکوه قاسم‌نیا متولد ۱۳۳۴، فعالیت ادبی خود را از سال ۱۳۵۹ با مجله کیهان‌بچه‌ها آغاز کرد. او با انتشار مجله گلک در سال ۱۳۶۹ بر شعر خردسال متمرکز شد. نخستین مجموعه شعر او با عنوان «ماه و ماهی» در همان سال منتشر شد. آثار او شامل «چرا نمی‌خندی؟»، «قصه‌های شیرین هزار و یک شب» و «هلی فسقلی در سرزمین غول‌ها» است که برای آن، دو دیپلم افتخار از جشنواره کتاب کودک و نوجوان دریافت کرده است.

قاب مقاومت

خنجر یمنی زیر گلوی اسرائیل

یمن به‌عنوان کشوری که خود زخم‌خورده از جنگ با استکبار جهانی است از معدود کشورهایی بوده که با تمام توان خود به دفاع از مردم مظلوم فلسطین برخاسته است. از جمله فعالیت‌های ارتش یمن در حمایت از فلسطین می‌توان به بستن تنگه باب‌المندب به‌عنوان شاهرگ اقتصادی رژیم‌صهیونیستی اشاره کرد. کمال شرف، کارتونیست معروف یمنی در واکنش به حملات موفق کشور یمن به رژیم‌صهیونیستی کارتونی از گرفتاری نتانیاهو از حملات ارتش یمن در صفحه اجتماعی خود منتشر کرد.

